



تبیین نو از نهاد سرمایه‌داری در خاورمیانه و شمال آفریقا: ظهور، تحول و تکامل آن



دکتر سید جواد صالحی* - محسن شکری**

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

خاستگاه نهاد سرمایه‌داری - به مثابه یک نظام (اقتصاد و سیاسی)، شکل بندگی، اجتماعی و اقتصادی) نظم (اجتماعی و اقتصادی بازارمحور) - در خاورمیانه، و چگونگی تحول و تکامل آن، علیرغم اهمیت در نظام مسائل معاصر خاورمیانه، تا حد خیلی زیادی در پژوهش‌ها (به ویژه داخل) مرتبط اقتصادسیاسی (در سطوح خرد و کلان) مغفول مانده است. این مقاله در تلاش است به سئوال مهم خاستگاه و منشاء ظهور سرمایه‌داری در خاورمیانه و چگونگی تحول و تکامل آن در بستر تاریخ، پاسخ دهد. سطح تحلیل پژوهش حاضر، جهانی و مبتنی بر نظریات نظام جهانی (والرشتاین، جیوانی اریگی، نظریه توسعه ناموزون و مرکب تروتسکی/انیه‌واس و اغلونی‌شانجی) و از نظر روشی از روش تاریخی - دگرگونی (مرحله‌گرا)، تبیینی و آماری و مقایسه‌ای بهره می‌برد. از حیث زمانی نیز به دوران پیشاستعمار تا به امروز محدود می‌باشد. یافته‌های پژوهش در نگاه اول، چشم‌اندازی «مرحله‌ای - غیرخطی» و «تعاملی» از ظهور و بسط سرمایه‌داری در خاورمیانه را نشان می‌دهد که هر مرحله از تحول، خاورمیانه صورتبندی خاصی از سرمایه‌داری در تطور تاریخ تجربه کرده است. این پژوهش ضمن پوشش برخی نقاط کور مفهومی و تجربی، در کلیت تا حدی فروض مهم اروپا - محوری (تاریخی، هنجاری، پیش‌آگاهی و مرحله‌گرا) و انتزاعیات فضایی ناشی از آن - یعنی رد عاملیت علی جهان غیراروپایی / سرپوش گذاشتن برخسونت سرمایه‌داری اروپایی - در مراحل مختلف تحول و تکامل و بسط سرمایه‌داری در خاورمیانه به چالش می‌کشد.

کلیدواژگان

سرمایه‌داری، نظام جهانی، خاورمیانه، نظام انباشت جهانی سرمایه، نئولیبرالیسم، توسعه ناموزون، هژمونی.

* استاد میهمان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. / نویسنده مسئول / ایمیل:

s.javad.salehi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، دانشگاه شیراز.

مقدمه

سرمایه‌داری به مثابه یک نظام اقتصادی و سیاسی - که در آن بخش صنعت و تجارت بجای دولت در دست مالکان خصوصی می‌باشد و به واسطه آنها کنترل می‌شود-، یک نظام اجتماعی و اقتصادی که در آن از ثروت خصوصی برای تولید و توزیع کالا استفاده می‌شود-، یک شیوه تولید و نوعی شکل‌بندی اقتصادی و اجتماعی، و یک نظم اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر بازار، تقریباً در بین همه دولت‌ها در مناطق نظام جهانی حاکم شده است. امروزه در ادبیات علمی اقتصادسیاسی از انواع سرمایه‌داری همچون سرمایه‌داری ارضی، سرمایه‌داری صنعتی، سرمایه‌داری مالی، سرمایه‌داری-انحصاری، سرمایه‌داری دولتی، سرمایه‌داری رفاقتی و حتی سرمایه‌داری خلاق صحبت می‌شود که این عمده‌ها از نگاه انتقادی به این نظام سرچشمه می‌گیرد. اما در کلیت، محققان این تنوع در سرمایه‌داری را پذیرفته و برای هر یک مزیت نسبی قائل هستند.

در مناطق جهان، منطقه خاورمیانه نیز از این امر مستثنا نبوده است و امروزه در ادبیات علمی دائماً از حاکمیت و سیطره نظام سرمایه‌داری و وجود انواع سرمایه‌داری همچون سرمایه‌داری - رفاقتی، سرمایه‌داری نئولیبرال، سرمایه‌داری چندشکلی و سرمایه‌داری شکاف، سرمایه‌داری فاجعه-بار و غیره تأثیرات آنها بر ساختار اقتصادی سیاسی دولت‌های منطقه صحبت به میان می‌آید. اما سؤال مهمی که این پژوهش هم درصدد پاسخ به آن می‌باشد این است که خاستگاه ظهور سرمایه‌داری کجاست؟ و در بستر تاریخ چگونه ظهور، تحول و تکامل پیدا کرده است؟ در این راستا، مدعی است در ابتدای امر، خاستگاه و منشاء ظهور سرمایه‌داری نه در اروپا بلکه در خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است. این سرمایه‌داری در مراحل بعد و در تطور تاریخ به شکل غیرخطی - تعاملی و مرحله‌ای، تحت تأثیر عاملیت‌های مختلف داخلی و جهانی تکامل و تحول پیدا کرده است. این منطقه در هر مرحله از تاریخ اقتصادی سیاسی خود، صورت‌بندی‌های خاص و متفاوتی از سرمایه‌داری (یعنی سرمایه‌داری تجاری سنتی مبتنی بر نظم بازار در دوران پیشاستعمار «مرحله اول-منشاء اولیه سرمایه‌داری جهانی»، سرمایه‌داری کارافرینانه اجتماعی و تجاری دوران اسلام» مرحله دوم تحول و تکامل و دوران‌طلایی سرمایه‌داری بومی و جهانی با عاملیت خاورمیانه»، و در نهایت سرمایه‌داری چندشکلی و غربی در مرحله استعمار و پساستعمار «مرحله سوم و چهارم تکامل و تحول، ادغام در سرمایه‌داری غربی با عاملیت غرب»)، را تا به امروز تجربه کرده است.

این مقاله با اتخاذ رویکرد جدید با اتکا به سطح تحلیل جهانی و برخی نظریات نظام جهانی و توسعه ناموزون مرکب، و همچنین بهره‌گیری از روش‌های تاریخی - تبیینی، دگرگونی - مرحله‌گرا و آماری و مقایسه‌ای، در تلاش است، خاستگاه و منشاء سرمایه‌داری خاورمیانه و چگونگی تحول و تکامل تاریخی آن را از دوران پیشاستعمار تا قرن حاضر را بررسی و تبیین کند و بدین طریق تصویری جامع و مهم و جدید از تاریخ سرمایه‌داری در اقتصادسیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا ارائه دهد.

۱- پیشینه پژوهش

اگرچه در در حوزه‌ی مطالعاتی اقتصادسیاسی خاورمیانه به ویژه در بحث سرمایه‌داری و کارکرد نیروی‌بازار در خاورمیانه و شمال آفریقا، آثاری چند در دو سه سال اخیر همچون «اعتماد به نهاد بازار؟: ادیان ابراهیمی و اقتصاد» (Koehler, 2023: 500) اثر کوهرلر، «هویت اسلامی و توسعه در امپراتوری عثمانی» به قلم محمت، (Mehmet, 2023: 400). «مالیه‌سلامی و سرمایه‌داری جهانی» نوشته واتکینز و «چرا به عنوان مسلمان از لیبرالیسم دفاع باید کرد» اثر اکیول، (Akyol, 2022: 380)، منتشر شده است، اما هیچ یک به خاستگاه و منشاء ظهور سرمایه‌داری و تحول و تکامل آن امعان نظر نداشته‌اند (Watkins, 2023: 200). بررسی ادبیات داخلی نیز نشان از این دارد که حول محور سرمایه‌داری و موضوع این پژوهش تا به حال آثاری در قالب کتاب و مقاله انتشار نیافته است. بنابراین این مقاله از تمامی جهان موضوعی، روشی، نظری دارای نوآوری می باشد.

۲- نظریه (های) نظام جهانی

نظامندترین شرح نظریه نظام جهانی^۱ را می‌توان در آثار امانوئل والرشتاین یافت. نظریه والرشتاین بر رابطه نابرابر در تقسیم کار جهانی تاکید دارد. این رابطه نابرابر، شرایط لازم سرمایه‌داری است که در آن تفاوت‌های بین دولت‌های مرکز (غربی) و پیرامون (غیرغربی) و انتقال مازاد و ارزش اضافی از دومی به اولی را تعیین می‌کند. مبادله نابرابر، مقادیر عظیمی از مازاد را از کار غیر آزاد و اجباری در پیرامون بیرون می‌کشد و پیرامون را از لحاظ توسعه در وضعیت دائمی عقب‌ماندگی قرار می‌دهد. همچنین، مرکز یا هسته، پیرامون را از طریق استعمار و نهادهای نواستعماری مانند سرمایه‌گذاری خارجی، جهانی‌شدن مالی، و تجارت، همچنین با مکانیسم‌های بینادولتی (روابط بین‌دولتی) مانند حقوق بین‌الملل و توافقنامه برتون وودز و از طریق نهادهای مالی بین‌المللی پیرامون را استثمار می‌کند. در واقع در شرایط نابرابر، دولت مرکز و هسته با انتقال مازاد و ارزش اضافی از پیرامون (دولت ضعیف) سود می‌برد (Chase-Dunn et.al., 2022: 5); (Parker, 2022: 132); (Awass, 2022: 3).

جیوانی اریگی از دیگر نظریه‌پردازان نظام جهانی، پویش و مراحل سرمایه‌داری جهانی را تبیین می‌کند. وی، مراحل توسعه سرمایه‌داری را با «چرخه سیستماتیک انباشت جهانی»^۲ تحلیل می‌کند. اریگی، در چرخه‌های سیستمی انباشت جهانی بر آن است که سرمایه‌مالی و قدرت دولتی شکل‌های جدیدی به خود گرفته و به طور فزاینده‌ای در کل سیستم نفوذ می‌کنند. اریگی بر مبنای این مدل، بیشتر به تحول اشکال نهادی جدید انباشت و به انواع سرمایه‌داری توجه دارد (Goodman et.al., 2021: 32). از دیگر نظریات که می‌توان آن را حتی فراتر از نظریه نظام جهانی تلقی کرد، «نظریه توسعه ناموزون و مرکب»^۳ است. امتیازات این نظریه عبارتند از: (۱) توجه به عاملیت‌های غیراروپایی

¹ world-system theory

² Giovanni Arrighi

³ Systemic Cycles of Accumulation

⁴ Uneven and combined development

در ظهور سرمایه‌داری؛ ۲) وسعت بخشی تاریخی - این وسعت بخشی ورای شیوه تولید سرمایه‌داری بوده و زمینه‌های غیرسرمایه‌داری و تکوین خود سرمایه‌داری را شامل شود؛ ۳) چهارچوبی بین‌الملل - گرایانه‌تر و غیراروپامحور ارائه داده و به نقش عوامل ژئوپلیتیکی در بسط و گسترش نظام سرمایه‌داری توجه دارد (انیه‌واس و اغلونیسانجی، ۱۴۰۰: ۵۵)؛ (Anievas & Nişancıoğlu, 2015: 55) این نظریات با توجه نوع دستگاه منطقی نظری، به شکلی تعاملی کمک زیادی به تبیین سیر ظهور تکامل و تحولات تاریخی سرمایه‌داری و خاورمیانه و شمال آفریقا می‌کند.

۳- خاستگاه سرمایه‌داری در جهان و خاورمیانه

در این مجال، بحث را با یک سؤال مهم و کلیدی آغاز می‌کنیم اینکه، خاستگاه سرمایه‌داری در جهان یا ریشه‌های ظهور، تکامل و تحول تاریخی سرمایه‌داری را در کجا می‌توان رصد کرد؟. سال-هاست پژوهش‌گران در دو دسته اروپامحور و غیراروپا محور درصدد پاسخ به این سؤال هستند. دیدگاه اروپامحور ریشه‌های ظهور سرمایه‌داری را در غرب می‌دانند که به تدریج در چارچوب مدرنیته سایر مناطق جهان را در بر گرفته است که این رویکرد اساساً تک خطی است که عاملیت‌های غیراروپایی را در ظهور و بسط و تکامل سرمایه‌داری نادیده می‌گیرد. گروه دیگر پژوهش‌گران مارکسیستی هستند که انواع مدل‌های سرمایه‌داری غربی و رویکردهای اسمیتی و حتی نئواسمیتی (والرشتاین) در مورد نظام سرمایه‌داری را مورد انتقاد قرار داده و به تحولات تاریخی سرمایه‌داری توجه داشته‌اند (انیه‌واس و اغلونیسانجی، ۱۴۰۰: ۲۰)؛ (Anievas & Nişancıoğlu, 2015: 20). که از این میان می‌توان به حیوانی‌اریگی و انیه‌واس و اس و اغلونیسانجی، ماکسیم رودنسون و غیره اشاره کرد که عاملیت‌های غیراروپایی در نظامات منطقه‌ای-جهانی را به روش‌های مختلف در ظهور و تکامل سرمایه‌داری غربی و جهان تأثیرگذار می‌دانند (رودنسون، ۱۳۹۵: ۱۰۰)؛ (Rodinson, 2007: 100)؛ (کلمن و ساجد، ۱۳۹۸: ۵۶-۵۴)؛ (Coleman, Sajed, 2013: 54-56).

در این میان وقتی صحبت از خاستگاه سرمایه‌داری در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌شود، به شکلی ریشه ظهور این پدیده اجتماعی و تاریخی را در غرب می‌دانند که این روند به تدریج با نفوذ مدرنیته آغاز و در قرن بیستم با سلطه اقتصاد نئولیبرالی تداوم یافته است. این در حالی است که اگر چه واژه خاورمیانه اروپا محور است اما این منطقه از جنبه تمدن و فرهنگ، از اروپای غربی، حدود ۵۰۰۰ سال جلوتر بوده است و در واقع می‌توان گفت عمده تاریخ بشری در این مناطق شکل گرفته است (منسفیلد، ۱۴۰۰: ۵)؛ (Mansfield, 2013: 5). بنابراین نمی‌توان نقش و جایگاه خاورمیانه و شمال آفریقا را در ظهور، بسط و تحول و تکامل تاریخی سرمایه‌داری نادیده گرفت؛ منطقه‌ای که قبل از همه مناطق در دوران پیش از میلاد، کانون ظهور پدیده جهانی شدن در سطح نظام جهانی بوده است (Zinkina et al., 2019: 72-70). این پژوهش تلاش خواهد کرد با رویکردی متفاوت، خاستگاه سرمایه‌داری در نظام جهانی و تحول آن در خاورمیانه را با استناد به نظریات پژوهش، تبیین کند.

۴- خاستگاه سرمایه‌داری در خاورمیانه: ظهور، تحول و تکامل تاریخی

۴-۱- ظهور-پیشا استعمار و دوران باستان

خاورمیانه مهد شکل‌گیری تمدن‌های باستانی و امپراتوری‌های بزرگ از دوران انقلاب نوسنگی بوده از این جهت از مناطق پیشتاز دولت‌مدرن می‌باشد (Timothy, 2019: 72-73). از چشم انداز تاریخی، خاورمیانه کانون شکل‌گیری نهاد بازار به عنوان مکانیسمی برای انباشت سرمایه و محرکی و نیرویی برای شکل‌گیری نظم اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر سرمایه‌داری بوده است (Koehler, 2023: 90). در این منطقه، همواره به ویژه در دولت شهرهای اولیه و دوران باستان، شیوه تولید رایج، سرمایه‌داری یعنی انباشت سرمایه مبتنی بر سود حاصله از تولید، مبادله و تجارت (سرمایه‌داری) بود (Goodman et al., 2021: 3). به عبارت دیگر، در دوران شکل‌گیری دولت‌های اولیه و نظام منطقه‌ای-جهانی بین‌النهرین (خاورمیانه امروزی)، در حالی که منطق انباشت در نظام جهانی شیوه تولید خراج بود، در خاورمیانه، سرمایه از سود مازاد حاصل از تولید و تجارت کالا سرچشمه می‌گرفت. منطق انباشت سرمایه در دیلمون بین‌النهرین و دشت رودسن بر این مبنا بود (Zinkina et al., 2019: 72-73). وجود تجارت بین اعراب با مناطقی شرقی و غربی نظام جهانی و نیز وجود نهاد بازار را می‌توان دو وجه مهم سرمایه‌داری (انباشت سرمایه) در دوران پیش از ظهور اسلام در خاورمیانه قلمداد کرد. در این راستا، کوهلر معتقد است که پیش از اسلام، اعراب با اروپا، چین و هندوستان به تجارت مشغول بودند و سفرهای تجاری عظیمی و پرخطری را مدیریت کرده و تا دوردست‌ها می‌رفتند (کوهلر، ۱۴۰۲: ۴۰)؛ (Koehler, 2024: 40).

۴-۲- دوره بلوغ و عصر طلایی سرمایه‌داری در خاورمیانه (ظهور اسلام تا قرن ۱۳ میلادی)
اگر چه نهاد بازار به عنوان وجهی از سرمایه‌داری در دوران قبل اسلام و قبل از میلاد در خاورمیانه شکل گرفته بود (Koehler, 2023: 100). اما باید اذعان کرد که ظهور اسلام تکامل این نهاد و سرمایه‌داری (بومی) در خاورمیانه را رقم زد. از منظر تاریخی و بر مبنای شواهد تاریخی، دوره ظهور اسلام تا قرون میانه را می‌توان «عصر طلایی خاورمیانه» نامید. در این مقطع زمانی، خاورمیانه شاهد بسط و تعمیق سرمایه‌داری بومی تحت لوی اسلام بوده که در نتیجه آن، خاورمیانه به کانون انباشت سرمایه جهان تبدیل شد. این دوران طلایی (سرمایه‌داری) از زمان حضرت محمد (ص) آغاز شد. با ظهور اسلام، حضرت محمد (ص) شیوه‌های بازرگانی پیش از اسلام را ادامه داد. (کوهلر، ۱۴۰۲: ۱۰)؛ (Koehler, 2024: 10).

حضرت محمد (ص) قبل از بعثت، «تاجر» بود و با هدف سود اقدام به تجارت با دیگر کشورها می‌کرد. محمد تاجری امین بود. بنابراین، اسلام یک دین بازار پسند بود. محمد (ص)، اعمال مالیات و اقدام دستوری در بازار را جهت کنترل بازار نکوهش می‌کرد و بر یک بازار غیر تنظیم شده و آزاد تاکید داشت و اقدامات دستوری را منافی عدالت می‌دانست (Akyol, 2022: 103). در این راستا، ساختارها و مقررات نهادی را ایجاد کرد که اقتصاد بازار پر جنب و جوشی را پدید آورد (Watkins, 2020: 13). در این راستا کوهلر معتقد است که اسلام مبدع سرمایه‌داری و محمد (ص)

^۱. Capital accumulation

بنیان‌گذار «دست نامرئی بازار آزاد» است. از نظر وی، اگرچه عناصری از سرمایه‌داری در پیش از اسلام در خاورمیانه وجود داشت، اما پویایی اقتصادی آزاد شده صدر اسلام بود که اجزای مرتبط با سرمایه‌داری را ترکیب و آن را به هسته تشکیل‌دهنده سرمایه‌داری در خاورمیانه تبدیل نمود (Koehler, 2023: 105). از نظر کوهرلر، سرمایه‌داری نخستین بار در عربستان پدیدار شد نه در دولت-شهرهای مستقل شمال ایتالیا و یا تاسیس شرکت‌های سهامی عام در هلند و انگلیس (کوهرلر، ۱۴۰۲: ۱۰)؛ (Koehler, 2024: 10). لوتورا، این نوع سرمایه‌داری دوران صدر اسلام، که بر پایه احترام به بازار آزاد، مالکیت خصوصی و رقابت و نیز تجارت بوده را «سرمایه‌داری کارآفرینانه اجتماعی» می‌نامد (Lautour, 2017: 17-29)، این نوع سرمایه‌داری به زعم برخی، در قرون وسطی به یک سرمایه‌داری بازرگانی / تجاری پیشاصنعتی تغییر شکل داد (Akyol, 2022: 100).

عقلانیت اقتصادی دوران پیامبر، بعد از وی همچنان نیز تداوم داشت. امپراتوری‌های اسلامی که بعد از آن شکل گرفت، مبتنی بر نیروهای قدرتمند بازار بودند. خلفا از بازارها و راه‌های تجاری حفاظت می‌کردند و حقوق‌دان‌های مسلمان که خود تاجر بودند با حفاظت از اموال، اجرای قراردادهای، و احترام به شرکت‌های تجاری، نیازهای بازرگانان و تاجر را برآورده می‌کردند. بنابراین، مسلمانان را می‌توان، برجسته‌ترین تاجران زمان دانست. آنها محرک‌های اقتصادی و همچنین ابزارهای تجاری متعددی را فراهم کردند که به بیرون کشیدن اروپا از جنگال خفقان «عصر تاریک» کمک شایانی نمود (Akyol, 2022: 108). در واقع، همزمان با گسترش بسیار سریع اسلام از خاورمیانه به مناطق مختلف جهان، تعالیم اقتصادی صدر اسلام نیز به همه جا راه یافت و سرانجام به اروپا رسید. شهرهایی مانند ونیز و جنوا نهادهای اسلامی و پیمان‌های تجاری رایج ممالک اسلامی را اقتباس و خود را با محیط‌های جدید سازگار کردند. ونیز و جنوا بیشترین روابط تجاری را با ممالک اسلامی داشتند. از جمله نوآوری‌ها می‌توان به شرکت‌های سهامی، فنون مدیریت کسب و کار، شیوه ایجاد بنگاه‌ها، نهاد موقوفه، محاسبات تجاری و اصلاحات پولی اشاره کرد. در نتیجه، می‌توان ادعا کرد که جنبه‌های بنیادی و حیاتی اندیشه سرمایه‌داری همگی ریشه‌های اسلامی دارند (Lautour, 2017, 17-29)؛ (کوهرلر، ۱۴۰۲: ۱۸)؛ (Koehler, 2024: 18).

بنابراین می‌توان اذعان کرد که با ظهور اسلام در خاورمیانه، به تدریج این منطقه به کانونی برای انباشت سیستماتیک سرمایه و ثروت جهان تبدیل شد و در نتیجه اولین چرخه پیشرفته انباشت سیستماتیک سرمایه نظام جهانی در این منطقه شکل گرفت و سپس از این طریق به اروپا و دولت شهرهای ایتالیا (و نیز) گسترش یافت و بعد به دیگر شهرهای اروپا یعنی هلند و پرتغال، و در نهایت در قرون بعد به بریتانیا و امریکا در قالب هژمونی انتقال یافت. در نظم اقتصادی جهانی قبل از هژمونی غربی، خاورمیانه اسلامی و جهان اسلام با مرکزیت هلال حاصلخیز، قطب نظام تجاری-سرمایه‌داری جهان بود (Mehmet, 2023: 65)، این منطقه، مرکز نظام جهانی آفریقا-اورآسیا (به لحاظ علمی و تجاری) (Zinkina et al., 2019: 77) و کانون انباشت سیستماتیک سرمایه و مرکز و

^۱. Lautour

هسته مبادلات تجاری و اقتصادی در نظام جهانی (سرمایه‌داری جهانی) بوده و سایر حلقه‌ها نظام جهانی مانند ونیز و آسیا و شرق آسیا، اروپا به نوعی پیرامون خاورمیانه محسوب می‌شدند. به همین دلیل برخی سرمایه‌داران ایتالیایی، سرمایه‌داری اولیه و پیشرو در اروپا را مدیون تمدن اسلامی می‌دانند (Akyol, 2021: 11)

۴-۳- دوران افول سرمایه‌داری خاورمیانه قرن سیزدهم تا نوزدهم (تغییر فرایند انباشت سیستماتیک جهانی سرمایه)

قطبیت منطقه در چرخه سیستماتیک انباشت سرمایه و سرمایه‌داری در منطقه از قبل از اسلام آغاز، در صدر اسلام به اوج خود رسید و از سده‌های میانه و قرن سیزدهم به بعد با افول تدریجی همراه بود. از این مقطع زمانی به بعد به تدریج خاورمیانه مرکزیت خود را از دست داد. سؤال مهم این است: چرا تمدن اسلامی در خاورمیانه به عنوان کانون انباشت سرمایه در نظام جهانی، پس از موفقیت چشمگیر، عظمت اقتصادی خود را بتدریج از دست داد؟ (Akyol, 2021: 120). در پاسخ باید گفت در این مقطع، ترکیبی از عوامل درونی و بیرونی همچون تشنگی و اختلاف در جوامع-اسلامی در سطح منطقه‌ای، بحران‌های سیاسی و اقتصادی در سطح امپراتوری، جنگ‌های صلیبی، طاعون سیاه، حمله مغول، کاهش اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه، ظهور سرمایه‌داری غربی و استعمار بستر را برای افول جایگاه خاورمیانه به عنوان مرکز نظام جهانی در دوره زمانی قرن سیزدهم تا هجدهم فراهم ساخت (کوهرل، ۱۴۰۲: ۱۸۰)؛ (Koehler, 2024: 180)؛ (Akyol, 2021: 118).

حمله مغول یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر این فرایند بود. یکی از دلایل حمله مغول به خاورمیانه (ایران، عراق و آناتولی)، قطبیت و ثروتمندبودن این مناطق در قیاس با اروپا به عنوان یک منطقه نسبتاً پیرامونی بود (Blaydes, 2020: 5). هجوم مغول به خاورمیانه در قرن سیزدهم و چهاردهم و ایجاد امپراتوری عظیم در جهان، با چرخه خشونت و بحران برای منطقه همراه بود و جهان عرب را در شوک فرو برد (Bent, 2016: 2). این تهاجم، بسیاری از مناطق جهان اسلام در خاورمیانه، از جمله پایتخت باشکوه آن، بغداد، را در اواسط قرن سیزدهم ویران کرد (Akyol, 2021: 120). بعد از این بغداد به عنوان یکی از مراکز مهم تجارت بین‌الملل، قدرت بین‌المللی خود را از دست داد. مغولان، با انتقال پایتخت از بغداد به تبریز در ایران، دو راه مهم از سه راه تجارت بین‌الملل را از بین بردند و تجار اروپایی را مجبور به انتخاب مسیر جایگزین از دریای سرخ کردند (Zinkina et al., 2019: 77). از دیگر عوامل، طاعون سیاه و مرگ سیاه بود که تاثیر زیادی بر خاورمیانه گذاشت. این پاندمی به رشد ناموزون جمعیت، تضعیف مملوکان، افزایش مداخلات دولت در اقتصاد منجر شد و در نهایت بسترساز افول تمدن اسلامی در خاورمیانه شد (Zinkina et al., 2019: 100)؛ (والتردالس، ۱۳۹۵: ۲۰۰-۵۰)؛ (Walters Dols, 1977: 50-200) علاوه بر این، تمدن اسلامی از درون نیز پویایی اولیه خود را از دست داد و شروع به رکود کرد (هم از نظر اقتصادی و هم از نظر حقوقی)، زیرا؛ فقه، تفسیر شریعت، که در ابتدا سرمایه‌داری اسلامی را تقویت کرده بود، نتوانست با نیازها و واقعیت‌های جدید سازگار شود. این دگرذیسی‌های نهادی و ایدئولوژیک، تفکرورزی مستقل را هم از بین برد (Akyol, 2021: 120). در نتیجه این تحولات، سرمایه‌داری اسلامی نیز در نظام انباشت

سرمایه جهانی به تدریج افول پیدا کرد. در این دوران طاعون سیاه و حمله مغول برخلاف اروپا، تأثیرات مخربی بر اقتصاد خاورمیانه گذاشت (انیه‌واس و اغلونیسانجی، ۲۰۰:۱۴۰۰؛ Anievas & Nişancioğlu, 2015: 200). البته نقش جنگ‌های صلیبی در افول قطبیت خاورمیانه و سرمایه‌داری را نمی‌توان نادیده گرفت. این جنگ‌ها، بخش مهمی از تاریخ اسلام و خاورمیانه می‌باشد؛ زیرا، مسیر تحولات تاریخی را در منطقه تعیین و در نتیجه تأثیر زیادی بر تقابل جهان غرب و جهان اسلام در خاورمیانه امروز گذاشته است (Sahide, 2015: 184). یکی از دلیل مهم وقوع این جنگ، همان جایگاه خاورمیانه و جهان اسلام در نظام جهانی بود. در واقع، ظهور اسلام - به رهبری حضرت محمد (ص) - که از نبوغ و درک سیاسی و اقتصادی بالایی برخوردار بود - و نیز بسط گسترش آن به سایر مناطق نظام جهانی، و تبدیل شدن به یک امپراتوری هسته، به یکی از محرک‌های اصلی وقوع جنگ‌های صلیبی مبدل شد (Dicken and et.al., 2018: 11). در گذار زمان به تدریج این جنگ‌ها، فرسایش قدرت امپراتوری اسلامی (عباسی) را در پی داشت که خود توان مقابله را در برابر حملات مغولان کاهش، و از این طریق ضربه شدیدی بر امپراتوری وارد ساخت و منجر به تضعیف جهان اسلام و خاورمیانه‌ای شد که تا آن زمان، کانون انباشت سرمایه نظام جهانی بود. بنابراین اگرچه در غرب، جنگ صلیبی بخشی از تکامل اروپای غربی در دوره قرون وسطی بود. اما در جهان اسلام و در مورد مسلمانان، قرون وسطی، دردناک بود؛ زیرا جنگ صلیبی چیزی جز مداخله اروپای غربی در منطقه و زندگی مسلمانان نبود (Sahide, 2015: 187).

علیرغم این تحولات، در دوران پساخلافت عباسی، خاورمیانه تحت استیلای امپراتوری عثمانی هنوز وضعیت باثبات تری از اروپا داشت. در این مقطع، در حالی که اروپا با اختلافات دست و پنجه نرم می‌کرد، عثمانیه‌واسا یک نیروی یکپارچه مدبر و منضبط بودند که توانستند قلمرو خود را به اروپا و فراتر از آن گسترش دهند. علاوه بر این برتری ژئوپلیتیکی، امپراتوری عثمانی از حیث اشکال بازتولید اجتماعی و نیز ساختار طبقاتی و روابط بین طبقات از جایگاه خوبی برخوردار بود. عقب‌ماندگی اروپا در اشکال بازتولید اجتماعی، مردم و حاکمان آنها را تشویق کرد که سازوکارهای جدیدی را برای بازتولید اجتماعی ایجاد کنند. این درحالی است که ثبات بازتولید اجتماعی امپراتوری عثمانی هیچ انگیزه‌ای درونی را برای تغییر و توسعه ایجاد نکرد. این شرایط نشان می‌دهد که چرا معجزه سرمایه‌داری در اروپا رخ داد اما در خاورمیانه دوران امپراتوری عثمانی تکرار و تداوم نداشت. فشارهای ژئوپلیتیکی امپراتوری، محرک اصلی این تغییرات در اشکال بازتولید اجتماعی بود (Nisancioglu, 2014: 18). اما این در قیاس با ادوار گذشته که نظام انباشت سرمایه‌داری اسلامی غالب و حاکم بود، از حیث ساختاری - منطقه‌ای متفاوت بود. در دوران طلایی حاکمیت سرمایه‌داری در خاورمیانه، مناطقی چون دولت شهرهای ایتالیا تحت تأثیر سرمایه‌داری و نهادهای آن قرار گرفتند (کوهرلر، ۲۰۱۴: ۱۰)؛ (Koehler, 2024: 10)، اما در دوران امپراتوری عثمانی، با توجه به تصرفات عثمانی در مناطق شمالی اروپا، متمرکز بر این مناطق شد. مانورها و فشار ژئوپلیتیکی امپراتوری باعث شد که مناطق شمالی (عقب‌مانده‌تر) از سایر مناطق پیشی بگیرند. کشورهایایی که

بهترین موقعیت را برای استفاده از این تغییر ساختاری داشتند، آنهایی بودند که حایل ژئوپلیتیکی عثمانی بودند. در این زمان، بریتانیا حایل ژئوپلیتیکی امپراتوری عثمانی و یک نظاره‌گر ناتوان و منزوی بود که فشارهای ژئوپلیتیک عثمانی منجر به ظهور پیدایش سرمایه‌داری ارضی در این کشور شد (Nisancioglu, 2014: 18-20).

از قرن پانزدهم تا اواخر قرن شانزدهم، تولید ناخالص داخلی جهانی از ۲۴۸ میلیون دلار به ۳۳۱ میلیون دلار افزایش یافت که تقریباً نیمی از آن برای چین و هند بود. علیرغم این تغییرات، میزان رشد اقتصادی برای مناطق مختلف جهان چندان نامتوازن نبود (Zinkina et al., 2019: 72-73). این مهم، در مورد خاورمیانه و جهان اسلام تحت استیلای امپراتوری عثمانی هم (علیرغم افزایش جمعیت) - و با وجود اینکه پویایی خود را از حیث اقتصادی و رشد تولید ناخالص داخلی به تدریج از دست می‌داد - صدق می‌کرد. اما از قرن شانزدهم به بعد، با پیشرفت اروپاییان در علم، صنعت و اقتصاد، و همزمان با افول قدرت امپراتوری عثمانی، منجر به مستولی شدن غرب شد. تجارت جهانی به سمت غرب رفت. سود حاصله از تجارت با امپراتوری عثمانی در اروپا انباشته شد. در برابر امپراتوری عثمانی ناتوان در نهادسازی مالی، اروپا به دلیل مازاد تجاری، نهادهای مالی و بانکداری را ایجاد کرد (Mehmet, 2023: 84). تحولات حوزه اقتصادی و مالی - به ویژه تحولات بازارهای سهام و اوراق قرضه مانند افتتاح بورس اوراق بهادار آمستردام در سال ۱۶۰۲ و تاسیس اولین بانک مرکزی در انگلستان و انتشار اوراق قرضه (برای تأمین مالی جنگ با فرانسه)، همراه با پیشرفت‌های انقلاب علمی و ظهور سرمایه‌داری، اهنک رشد اقتصادی اروپا را سرعت بخشید (Dalio, 2021: 5) و در نهایت، وقوع انقلاب صنعتی در قرن هجدهم و تقویت نظام سرمایه‌داری غربی، ادغام اولیه منطقه خاورمیانه تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی در نظام سرمایه‌داری جهانی تحت هژمونی بریتانیا فراهم ساخت.

انقلاب صنعتی عناصر صرفاً اقتصادی ایجاد کرد که امکان ظهور بازاری را در جهان را فراهم ساخت که قادر به تحمیل تقسیم کار جهانی در بین اقتصادهای جهان بر اساس قیمت‌های بازار رقابتی بود. انقلاب صنعتی همچنین ظرفیت نظامی امپراتوری بریتانیا - عنصر سیاسی - را تقویت کرد. این سازوکار از نظر دیپلماتیک با هدف تضمین معاهدات تجاری - که موانع تعرفه‌ای را حذف یا کاهش می‌داد - و از نظر نظامی در جهت تصرف مستعمرات و شبه‌مستعمرات برای اعمال سیاست تجارت آزاد، اعمال می‌شد (Inikori, 2022: 326). در ارتباط با امپراتوری عثمانی، انقلاب صنعتی کیفیت روابط تجاری بین اروپای غربی و امپراتوری عثمانی را تحت تاثیر قرار داد. با سرازیر شدن تولیدات و سرمایه بریتانیا به بازار داخلی امپراتوری، اقتصاد آن علیرغم مقاومت، به تدریج در تقسیم کار بین‌المللی جدید که قوانین آن توسط سرمایه‌داری صنعتی و تجاری اروپایی تعیین شده بود، ادغام شد (Deniz, 2015: 18-17). در این برهه، بسیاری از مبادلات تجاری امپراتوری بریتانیا از طریق شرکت لوانت که در قرن شانزدهم در پاسخ به بحران‌های سیاسی و اقتصادی و به عنوان یک مانور

^۱. Levant Company

سیاسی از سوی بریتانیا برای ایجاد اتحاد با امپراتوری عثمانی شکل گرفته بود، انجام می‌شد (Vlami, 192-88: 2015). این شرکت، به عنوان بخشی از سیستم تجاری اروپا، زمینه را برای نفوذ بریتانیا در خاورمیانه فراهم و ظهور مرکانتیلیسم غربی را تسهیل کرد. کاپیتولاسیون تحمیلی مسیر ویرانی اقتصاد امپراتوری عثمانی در خاورمیانه را هموار ساخت. سلطان عثمانی در اوج قدرت خود به بازرگانان اروپایی امتیازات تجاری موسوم کاپیتولاسیون اعطا می‌کردند که این منجر به غیرصنعتی شدن تولید داخلی شد و عملاً اقتصاد امپراتوری عثمانی را ویران ساخت (Mehmet, 2023: 82).

۴-۴- مرحله ادغام اولیه در نظام سرمایه‌داری جهانی (قرن نوزدهم تا بیستم)

در قرن نوزدهم اقتصاد جهانی در مدار رشد قرار گرفت اما برخلاف قرن شانزدهم، این رشد و توسعه بسیار نامتوازن بود. اقتصاد برخی از کشورها از سال ۱۷۰۰ تا ۱۸۰۰ بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد رشد کرد، و سایر اقتصادها در همان دوره فقط ۱۰ تا ۲۰ درصد رشد داشتند. در این زمان، غرب و اروپا، از حیث اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی از سایر مناطق نظام جهانی (دو گانه غرب پویا، شرق ایستا) پیشی گرفت. در نظام جهانی «ایستا»، رشد اقتصاد اروپا نسبت به سایر مناطق بسیار بیشتر بود. این شرایط بر ساختار نظام جهانی تا به امروز تاثیر گذاشته (Zinkina et.al., 2019: 72-73). در این میان خاورمیانه تحت استیلای امپراتوری عثمانی که زمانی قطب و هسته نظام و اقتصاد جهانی بود، در مدار رشد و توسعه ناموزون قرار گرفت و در نتیجه به طور کامل از سیکل «مرکز» خارج و وارد سیکل «پیرامونی و شبه پیرامونی» در مدار سرمایه‌داری غربی شد.

در طول قرن هجدهم، امپراتوری عثمانی به دلیل شکست‌های استراتژیک خود، به سرعت از یک بازیگر دارای قدرت ساختاری جهانی، به قدرت منطقه‌ای با وضعیت نیمه پیرامونی تبدیل شد، بدین شکل زمینه‌ها برای ادغام کامل عثمانیه‌و‌اسا در نظام جهانی سرمایه‌داری فراهم شده بود (Chalyi, 2023: 5). تا به این مقطع، امپراتوری، علیرغم فشارهای فزاینده برای باز کردن سریع اقتصاد خود به بازار جهانی تا حد زیادی توانست حاکمیت مالی خود را حداقل تا زمان توافقنامه تجارت آزاد ۱۸۳۸ حفظ کند و از قرار دادن خود در مسیر سرمایه‌داری غربی و غربی‌سازی و مدرنیزاسیون جلوگیری کند (Conte, 2022: 39). اما شرایط در قرن نوزدهم تغییر کرده بود. در این برهه، اقتصاد-جهانی تحت سلطه و هژمونی امپراتوری بریتانیا بود که بعد از انقلاب صنعتی سیاست آزادسازی تجارت و تجارت آزاد را داخل و در مستعمرات و شبه مستعمرات خود در نظام جهانی به ویژه در خاورمیانه اعمال می‌کرد (Inikori, 2022: 15). انقلاب جهانی سرمایه‌داری-صنعتی به رهبری بریتانیا، به عاملی تعیین کننده برای تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کشورهای مدیترانه و خاورمیانه تحت استیلای عثمانی مبدل شد (Conte, 2022: 5). در این برهه، چالش نظامی و سیاسی قدرت‌های صنعتی، عثمانیه‌و‌اسا را مجبور به اصلاح یا بازسازی نهادهای داخلی، از سیاست‌های اقتصادی و مالی گرفته تا دستگاه‌های نظامی و بوروکراتیک کرد. این فرایند اصلاحی نسبتاً مخرب، با روندی به همان اندازه نگران کننده‌تر یعنی ادغام اقتصاد عثمانی در تقسیم کار بین‌المللی سرمایه‌داری همراه بود (Deniz, 2015: 20).

در این مقطع، روح سرمایه‌داری نیز از طریق نخبگان فکری و روشنفکران اصلاح‌طلب عثمانی در جامعه عثمانی نیز دمیده شد و این بستر لازم برای نفوذ ارزش‌های سرمایه‌داری در تمامی حوزه‌های اجتماعی را فراهم ساخت (Deniz, 2015: 33). آنچه پدیدار شد، مدل ترکیبی بود که عناصر محافظه‌کاری مذهبی، سیاسی و اقتصادی (مشخص از رژیم باستانی عثمانی) و عناصر مرتبط با طبقه جدید بوروکرات‌های نوآور را که منافع متفاوتی نسبت به نخبگان مالی داشتند، ترکیب می‌کرد. بروکرات‌ها به برنامه اصلاحات‌نوسازی گسترده‌تر با هدف تقویت دولت و جامعه عثمانی علاقه‌مند بودند، برعکس، نخبگان مالی علاقه‌مند به حمایت از برنامه‌ای بودند که اصلاحات به سبک سرمایه‌داری را در بر می‌داشت. در این دوران تنظیمات (۱۸۷۶-۱۸۳۹) اصلاح‌طلبان-هم تحت فشار قدرت‌های بزرگ به ویژه بریتانیا- تلاش کردند که امپراتوری را به سمت شکلی مدرن‌تر از حیث بوروکراتیک، به دور از عناصر پاتریمونیالیست، و هماهنگ با مدل‌های مدرنیته که در عرصه بین‌المللی وجود داشت، سوق دهند. زیرا، آنها بر آن بودند که نجات اقتصادی امپراتوری از طریق الحاق کامل به سیستم سرمایه‌داری اروپا امکان‌پذیر می‌باشد. این اصلاحات عبارتند بود از قرارداد تجارت آزاد با بریتانیایی، اصلاحاتی پولی، استقراض خارجی، اصلاحات ارضی، ایجاد بانک عثمانی (Conte, 2022: 5).

این اصلاحات مالی-اقتصادی در نهایت به یک فرآیند صنعتی‌سازی عمدتاً شکست‌خورده، یک دولت ورشکسته مالی، و یک نظام اقتصادی و سیاسی به طور فزاینده‌ای وابسته به خارج منتج شد. تجارت آزاد نابرابر، باعث انتقال ارزش افزوده از پیرامون امپراتوری به هسته سرمایه‌محور (بریتانیا) از طریق مکانیسم بازار شد. این اصلاحات نیاز سرمایه‌داران بریتانیایی به بازارهای جدید و قیمت‌های مواد خام باثبات و پایین را برآورده ساخت و در عین حال وابستگی امپراتوری به کالای-خارجی را افزایش، روند صنعتی‌شدن را مختل و بخش تولیدی را راکد و بهروری هم کاهش داد و هر گونه فعالیت صنعتی را که امکان رقابت با دولت‌های سرمایه‌داری اروپایی داشت، در نطفه خفه کرد (Conte, 2022: 5)؛ (Deniz, 2015: 141). در نهایت، کشف نفت و افزایش جایگاه ژئوپلیتیکی امپراتوری عثمانی و آشکارشدن ناتوانی آن در حفاظت از قلمرو خود، مراکز سرمایه‌داری جهان را وادار به تجزیه امپراتوری کرد. پس از فروپاشی این قلمرو به دست انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها افتاد. نفوذ آنها در این منطقه کشورهای جدیدی ایجاد کرد که اغلب مصنوعی بودند. در این برهه، همه چیز برای آنها نفت بود و رفاه مردم در برنامه‌ها دیده نمی‌شد (Mehmet, 2023: 40). این استعمار و ساختارهای توسعه‌نیافته برخاسته از آن، سرمایه‌داری بومی تضعیف و سرمایه‌داری غربی را جایگزین آن ساخت (Hendrich, 2014: 10) این وضعیت در دوران پساستعمار به شکلی جدید تداوم یافت.

۴-۵- مرحله ادغام نهایی: دوران پساستعمار و تحول در شکل و نهادینگی سرمایه‌داری

دوران پساستعمار آخرین مرحله از تحول سرمایه‌داری در خاورمیانه است که هنوز ادامه دارد. در این دوره، استعمار از بین نرفت بلکه تغییر شکل داد. از یک طرف دولت‌ها، در مدار سرمایه‌داری نئولیبرال که خود صورت جدیدی از سرمایه‌داری در دوران پساستعمار بود، قرار گرفتند و از طرف دیگر جنگ و اشغال نظامی (مانند افغانستان، عراق و لیبی) توسط قدرت‌های به ویژه ایالات

متحده آمریکا در فضای پساجنگ سرد و نظم جهانی تک قطبی، به ابزاری برای سلطه تبدیل شد که خود شکل جدیدی به استعمار در قرن بیست و یکم داد (Upadhyay & Singh, 2022: 326). در این برهه، مداخله‌گرایی هژمون از طریق نهادهای مالی و پولی، با هدف حل بحران جدید انباشت بیش از حد از طریق صدور اجباری سرمایه آزاد به پیرامون انجام شد و در نهایت به انباشت از طریق سلب مالکیت از طریق خصوصی‌سازی و برنامه‌تعدیل ساختاری تبدیل شد. از ابتدای سده بیست و یکم و ظهور حملات تروریستی مانند ۱۱ سپتامبر انباشت سرمایه در چارچوب نظام سرمایه‌داری-نئولیبرال آمریکایی، وجهی ستیزه‌جویانه (تغییر از رضایت به اجبار- آزادی اقتصادی با زور)- یعنی بازسازی سرمایه‌داری نئولیبرال از طریق سیاست خارجی مبتنی بر زور- به خود گرفت. این تحول نه صرفاً ناشی از تغییر کارگزاران بلکه ریشه در منطق سیستماتیک سرمایه‌داری با هدف تامین امنیت- سرمایه‌داری در عصر جهانی شدن داشت (Bauzon, 2019: 176); (Cafruny, 2016: 146-148); (Dalby, 2020: 102). این روند و تغییرات، ساختار اجتماعی انباشت در در پیرامون تحت تاثیر قرار داده (Osman, 2017: 146-148) که نتیجه‌ای جز نابرابری و فقر پیرامون در مقابل رفاه مرکز و هسته نداشته است (Mehmet, 2023: 100).

دولت‌های خاورمیانه و شمال آفریقا در این مقطع، در مدار پیچیده سرمایه‌داری و نئولیبرالیسم قرار گرفتند که خود تحولات مهمی را در عرصه اقتصادی سیاسی این دولت‌ها رقم زد (بنین و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۷۹); (Beinin et al., 2020: 279). با افول تدریجی استعمار در نتیجه امواج استعمارزدایی در خاورمیانه، قدرت‌های غربی به شیوه‌های مختلف سعی کردند که بر کشورهای مسلمان خاورمیانه تسلط پیدا کنند و از این زمان، منطقه، به هدف مهم سیاست‌های نئولیبرالیسم مبدل شد (Onur, 2016: 11); (Akyol, 2021: 150) در این راستا، هر دو وجه امپریالیسم (رضایت‌آمیز و ستیزجویانه) در دستور کار هژمونی و سرمایه‌داری برای سلطه در خاورمیانه در دوران پساستعمار قرار گرفت. ناکارآمدی «دولت‌گرایی» یا «سوسیالیست‌عربی»، خواست جمعیت رو به رشد تحصیل کرده برای آزادی بیشتر سیاسی و اقتصادی، و آمیختگی این آزادسازی اقتصادی با منش دموکراتیزاسیون، سرمایه‌داری را به مناسب‌ترین شکل دموکراسی مبدل کرد و از این طریق سیاست‌های نئولیبرالی به عنوان صورت متاخر سرمایه‌داری جهت ترویج دموکراسی در خاورمیانه در دستور کار قرار گرفت (هنیه، ۱۴۰۱: ۴۰-۲۶); (HANievash, 2015: 40-26) که هنوز هم به اشکال مختلف تداوم دارد.^۱

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که سرمایه‌داری در خاورمیانه و شمال آفریقا در دوران پیشاستعمار سه مرحله تحول را پشت سر گذاشته است: اولین مرحله (ظهور، رشد و نمو)، دوران

^۱ این بخش به طور مفصل در قالب مجزا تا تحولات بهار عربی بررسی شده و به زودی در فصلنامه مطالعات خاورمیانه منتشر خواهد شد و بیشتر از این با توجه به محدودیت‌ها، مجال بحث نیست.

باستان (قبل از ظهور اسلام) که در این دوران خاورمیانه کانون شکل‌گیری سرمایه‌داری تجاری و بازار محور در نظام جهانی بوده است و کانون انباشت سرمایه جهانی بوده است. دومین مرحله (بلوغ و رونق)، دوران ظهور اسلام: در این دوران نوعی سرمایه‌داری تجاری، کار آفرینانه و اجتماعی حاکم شد و از این طریق تا قرن سیزدهم خاورمیانه به کانون و مرکز سیستماتیک انباشت جهانی بود. در این مقطع خاورمیانه به هسته و سایر مناطق پیرامون خاورمیانه بودند. علاوه بر این، در این مرحله، اولین فاز عاملیتی خاورمیانه بر ظهور نهادهای سرمایه‌داری در اروپا و دولت شهرهای ایتالیا در نظام جهانی آفر و اورآسیا اتفاق افتاد. مرحله سوم (مرحله افول تدریجی تا ادغام اولیه - آغاز دوره استعمار): این مرحله، با تحولاتی همچون حمله مغول، جنگ‌های صلیبی، طاعون سیاه و غیره آغاز شد. در ابتدای (پانزدهم و شانزدهم) این دوره هنوز خاورمیانه تحت استیلا عثمانی دارای ثبات بود. مانور و فشارهای ژئوپلیتیکی امپراتوری عثمانی به عاملیتی برای ظهور و تقویت سرمایه‌داری در اروپا این بار نه در دولت شهرهای ایتالیا بلکه شمال اروپا به طور ویژه بریتانیا شد. این در پوستار با عواملی همچون طاعون سیاه و حمله مغول - که عامل تضعیف سرمایه‌داری در خاورمیانه بودند - محرک رشد سرمایه‌داری در اروپا شد. شکل‌گیری نهادهای پولی و مالی اروپا و انباشت سرمایه در این منطقه و در ادامه انقلاب - صنعتی موج اوج‌گیری سرمایه‌داری غربی به عنوان هسته نظام جهانی و نفوذ آن به خاورمیانه (به عنوان پیرامون) با هژمونی بریتانیا شد.

دوران استعمار (مرحله ادغام ثانویه و سلطه اولیه): این مرحله از ابتدا قرن نوزدهم آغاز و تا نیمه دوم قرن بیستم تداوم داشت. در این مرحله اصلاحات امپراتوری عثمانی (توافق آزاد تجاری، اصلاحات پولی، استقرار خارجی، ایجاد بانک عثمانی) تحت فشار دولت‌های مرکز سرمایه‌داری اروپا و توسط اصلاح‌طلبان مدرنیته‌خواه، همراه با پیامدهای منفی برای اقتصاد امپراتوری و خاورمیانه، بستر را برای ادغام بیشتر خاورمیانه تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی و در نهایت فروپاشی و تجزیه امپراتوری توسط نظام سرمایه‌داری جهانی فراهم ساخت.

دوران استعمار - پساستعمار (مرحله ادغام نهایی): در این مرحله شیوه نفوذ و رخنه سرمایه‌داری در قیاس با دوره‌های قبل تغییر پیدا کرد. در این دوره، شاهد آغاز مراحل نهادینگی و تثبیت سرمایه‌داری هستیم. سرمایه‌داری در کالبد نئولیبرالیسم از دو مکانیسم رضایت (سلب مالکیت صدور اجبار انباشت از طریق سیاست‌های تعدیل ساختاری و اجماع واشنگتن) و اجبار (آزادسازی با زور - جنگ و کودتا) برای نفوذ بیشتر و سیطره بر اقتصاد کشورهای خاورمیانه بهره بردند. از این طریق سعی در تشدید نهادینگی سرمایه‌داری و گذار به مرحله تثبیت نهادی بوده است که در حال حاضر نیز تداوم دارد و منجر به ظهور بحران‌ها و تحولاتی همچون بهار عربی در این منطقه شده است.

منابع فارسی

۱. انیه‌واس، ا. و اغلونیسانجی، ک. (۱۴۰۰). غرب چگونه حاکم شد، خاستگاه ژئوپلیتیک سرمایه‌داری، ترجمه علیرضا خزائی، تهران: انتشارات چشمه.
۲. بنین، جونل. و همکاران. (۱۴۰۰). نگاهی نقادانه به اقتصاد سیاسی کشورهای خاورمیانه و شمال

- آفریقا، ترجمه پیروز اشرف، تهران: نشر اختران.
۳. رودنسون، ماکسیم. (۱۳۹۸). *اسلام و سرمایه‌داری*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر اندیشه احسان، چاپ سوم.
 ۴. کلمن، ویلیام دی. (۱۳۹۸). *پنج‌جاه متفکر کلیدی جهانی شدن*، ترجمه الینا ساجدا و پیروز ایزدی، تهران: نشر ثالث.
 ۵. کوهلر، بندیکت. (۱۴۰۱). *صدر اسلام و زایش سرمایه‌داری*، ترجمه جعفر خیرخواهان و محمد ماشین چیان، تهران: نشر نی.
 ۶. منسفیلد، پیتر. (۱۴۰۰). *تاریخ خاورمیانه*، ترجمه کیانوش امیری، تهران: انتشارات نیماژ.
 ۷. هنیه، آدم. (۱۴۰۱). *تبار خیزش: مسائل سرمایه‌داری معاصر در خاورمیانه*، ترجمه لادن احمدیان هروی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ سوم.
 ۸. والتزر دالس، میکال. (۱۳۹۸). *طاعون و افول تمدن اسلامی*، ترجمه قربان بهزادیان‌نژاد، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

English References

1. Akyol, M. (2021). Why, as a Muslim, I Defend Liberty, Cato Institute, Washington DC: Libertarianism.
2. Awass, O. (2022). The New Shape of the Global Power-Field (GPF) After the Transformation of the Modern World-System Post-World War II (Part 2). *Journal of World-Systems Reserch*, 28(1), 4-24, DOI: 10.5195/JWSR.2022.1071
3. Bauzon, K. (2019). *Capitalism, The American Empire, and Neoliberal Globalization*, New York: Palgrave Macmillan.
4. Bent, J. (2016). None of the Kings on Earth is Their Equal in asabiyya: The Mongols in Ibn Khaldūn's Works, *Al-Masaq Islam and the Medieval Mediterranean*, 28(2), 171-186, DOI: 10.1080/09503110.2016.1198535
5. Blyaydes, L., & Paik, Ch. (2020). Trade and Political Fragmentation on the Silk Roads: The Economic Effects of Historical Exchange between China and the Muslim East, *American Journal of Political Science*, 65(1), 115-132, DOI: <https://doi.org/10.1111/ajps.12541>
6. Cafruny, A., and et.al. (2016). *Handbook of Critical International Political Economy*, Berlin: Palgrave Handbooks in IPE.
7. Chaly, A. (2023). The Clash of Theoretizations: The Case of the Ottoman Empire in The Xviiiith Century (1838–1914), *Problems of World History (Проблеми всесвітньої історії)*, 2(22). (In Russian)

8. Chase-Dunn, Ch., & et.al. (2020). Remembering Immanuel Wallerstein, *Journal of World-Systems Research*, 26(1), 4-8, DOI: <https://doi.org/10.5195/jwsr.2020.995>
9. Conte, G. (2022). Defining Financial Reforms in The 19th-Century Capitalist World Economy: The Ottoman Case (1838–1914), *Capital & Class*, 46(1), 33-58, DOI: <https://doi.org/10.1177/03098168211022222>
10. Dalby, S. (2020). *Anthropocene Geopolitics Globalization, Security, Sustainability*, Ottawa: University of Ottawa Press.
11. Dalio, R. (2021). *Principles for Dealing with the Changing World Order: Why Nations Succeed and Fail*, UK: Simon & Schuster.
12. Dicken, M., & et.al. (2019). *Access to History: The Crusades 1071–1204*, UK: Hodder Education & Al Albab.
13. Goodman, J., and et.al. (2021). *The Routledge Handbook of Transformative Global Studies*, Oxfordshire: Routledge Press.
14. Inikori, J. (2022). *British Imperialism and Globalization, c. 1650–1960*, Woodbridge: The Boydell Press.
15. Koehler, B. (2023). *Faith in Markets Abrahamic Religions and Economics?*, London: The Institute of Economic Affairs.
16. Mehmet, Ö. (2023). *Islamic Identity and Development after the Ottomans: The Arab Middle East*, Oxfordshire: Taylor & Francis Group, Routledge.
17. Onur, P. (2016). Changing discourse on women and islam in Turkey in ethnographic studies, *Ph.D. - Doctoral Program*. Ankara: Middle East Technical University.
18. Osman, C. (2017). Social Structure of Accumulation in Turkey (1963–2015), *Social Structure of Accumulation in Turkey (1963–2015), Doctoral Dissertations*. US: University of Massachusetts Amherst.
19. Sahide. A. (2015). Crusade and Its Effect on the East and The West, *Al Albab- Borneo Journal of Religious Studies (BIRS)*, 4(2), 181-190. DOI: 10.24260/alalbab.v4i2.287
20. Upadhyay, V., & Singh, P. (2022). *Global Political Economy a Critique of Contemporary Capitalism*, Taylor & Francis Group, Oxfordshire: Routledge.
21. Vlami, D. (2015). *Trading with The Ottomans the Levant Company in the Middle East*, New Delhi: I.B. Tauris & Co. Ltd.
22. Watkins. J. (2020). *Islamic Finance and Global Capitalism an Alternative to the Market Economy*, London: Palgrave Macmillan.
23. Zinika, J., & et.al. (2019). Global Sociopolitical Transformations of the Nineteenth Century, In: *A Big History of Globalization. World-Systems Evolution and Global Futures*. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-05707-7_9

Translated References to English

1. Akyol, M. (2021). Why, as a Muslim, I Defend Liberty, Cato Institute, Washington DC: Libertarianism.
2. Anievasvas, A., Nişancioğlu, K. (2015). How the West Came to Rule: The Geopolitical Origins of Capitalism, Translated by Alireza Khazaei, Tehran: Cheshme Publications. **(In Persian)**
3. Awass, O. (2022). The New Shape of the Global Power-Field (GPF) After the Transformation of the Modern World-System Post-World War II (Part 2). *Journal of World-Systems Reserch*, 28(1), 4-24, DOI: 10.5195/JWSR.2022.1071
4. Bauzon, K. (2019). *Capitalism, The American Empire, and Neoliberal Globalization*, New York: Palgrave Macmillan.
5. Beinim, J., and et.al. (2007). A Critical Political Economy of the Middle East and North Africa, Translated by Pirouz Ashraf, Tehran: Akhtaran Publishing. **(In Persian)**
6. Benedikt, K. (2015). Early Islam and the Birth of Capitalism, translated by Jafar Khairkhahan and Mohammad Mashinchian, Tehran: Nei Publishing House. **(In Persian)**
7. Bent, J. (2016). None of the Kings on Earth is Their Equal in asabiyya: The Mongols in Ibn Khaldūn's Works, *Al-Masaq Islam and the Medieval Mediterranean*, 28(2), 171-186, DOI: 10.1080/09503110.2016.1198535
8. Blyaydes, L., & Paik, Ch. (2020). Trade and Political Fragmentation on the Silk Roads: The Economic Effects of Historical Exchange between China and the Muslim East, *American Journal of Political Science*, 65(1), 115-132, DOI: <https://doi.org/10.1111/ajps.12541>
9. Cafruny, A., and et.al. (2016). *Handbook of Critical International Political Economy*, Berlin: Palgrave Handbooks in IPE.
10. Chaly, A. (2023). The Clash of Theoretizations: The Case of the Ottoman Empire in The XVIIIth Century (1838–1914), *Problems of World History (Проблеми всесвітньої історії)*, 2(22). **(In Russian)**
11. Chase-Dunn, Ch., & et.al. (2020). Remembering Immanuel Wallerstein, *Journal of World-Systems Research*, 26(1), 4-8, DOI: <https://doi.org/10.5195/jwsr.2020.995>
12. Coleman, W., Sajed, A. (2013). Fifty Key Thinkers on Globalization, translated by Elina Sajdi Pirouz Izadi, Tehran: Sales Publication. **(In Persian)**
13. Conte, G. (2022). Defining Financial Reforms in The 19th-Century Capitalist World

- Economy: The Ottoman Case (1838–1914), *Capital & Class*, 46(1), 33-58, DOI: <https://doi.org/10.1177/03098168211022222>
14. Dalby, S. (2020). *Anthropocene Geopolitics Globalization, Security, Sustainability*, Ottawa: University of Ottawa Press.
 15. Dalio, R. (2021). *Principles for Dealing with the Changing World Order: Why Nations Succeed and Fail*, UK: Simon & Schuster.
 16. Dicken, M., & et.al. (2019). *Access to History: The Crusades 1071–1204*, UK: Hodder Education & Al Albab.
 17. Goodman, J., and et.al. (2021). *The Routledge Handbook of Transformative Global Studies*, Oxfordshire: Routledge Press.
 18. HAnievash, A. (2015). Lineages of Revolt Issues of Contemporary Capitalism in the Middle East, Translated by Laden Ahmadian Heravi, Tehran: Publications of Culture, Art and Communication Research Center, Third edition. **(In Persian)**
 19. Inikori, J. (2022). *British Imperialism and Globalization, c. 1650–1960*, Woodbridge: The Boydell Press.
 20. Koehler, B. (2023). *Faith in Markets Abrahamic Religions and Economics?*, London: The Institute of Economic Affairs.
 21. Mansfield, P. (2013). A History of the Middle East, translated by Kianoosh Amiri, Tehran: Nimage Publishing House. **(In Persian)**
 22. Mehmet, Ö. (2023). *Islamic Identity and Development after the Ottomans: The Arab Middle East*, Oxfordshire: Taylor & Francis Group, Routledge.
 23. Onur, P. (2016). Changing discourse on women and islam in Turkey in ethnographic studies, *Ph.D. - Doctoral Program*. Ankara: Middle East Technical University.
 24. Osman, C. (2017). Social Structure of Accumulation in Turkey (1963–2015), *Social Structure of Accumulation in Turkey (1963–2015), Doctoral Dissertations*. US: University of Massachusetts Amherst.
 25. Rodinson, M. (2007). *Islam and Capitalism*, Translated by Mohsen Salasi, Tehran, Andisheh Ehsan Publishing House, first edition. **(In Persian)**
 26. Sahide, A. (2015). Crusade and Its Effect on the East and The West, *Al Albab- Borneo Journal of Religious Studies (BIRS)*, 4(2), 181-190. DOI: 10.24260/alalbab.v4i2.287
 27. Upadhyay, V., & Singh, P. (2022). *Global Political Economy a Critique of Contemporary Capitalism*, Taylor & Francis Group, Oxfordshire: Routledge.
 28. Vlami, D. (2015). *Trading with The Ottomans the Levant Company in the Middle East*, New Delhi: I.B. Tauris & Co. Ltd.
 29. Walters. M. (1977). *The Black Death in the Middle East*, Translated by Gurban

Behzadian Nejad, Tehran: Research Institute of Islamic History. **(In Persian)**

30. Watkins, J. (2020). *Islamic Finance and Global Capitalism an Alternative to the Market Economy*, London: Palgrave Macmillan
31. Zinika, J., & et.al. (2019). Global Sociopolitical Transformations of the Nineteenth Century, In: *A Big History of Globalization. World-Systems Evolution and Global Futures*. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-05707-7_9